



2012/08/11

نورالدين سيدال ناصري

طالبان ، مقاومت مسلح يا ستون پنجم ؟

مقاومت مسلح گروه يا گروه های منفرد در چوکات جنبش آزاديخواهی زمانی توجیه پذیر است که آنها منافع علیای کشور بخصوص استقلال سیاسی و حاکمیت ملی آنرا به حیث رکن درجه اول اهداف شان قرار داده باشند و خود آله دست بیگانگان نبوده و قرار نگیرند.

از لحاظ حقوق بین المللی مقاومت مسلح برای استقلال و تعیین سرنوشت به حیث جنبش مقاومت ملی مشخص شده و در روشنایی اسناد پذیرفته شده از طرف دول مستقل جهان صراحت یافته است از جمله در منشور سازمان ملل متحد، میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و دیگر معاهدات بین المللی مواد را میتوان یافت که مقاومت مسلح را حق ملت های به زنجیر کشیده و محکوم میدانند «ملت ها در اجرای حق تعیین سرنوشت خود با سُلطه استعمار و اشغال بیگانگان و رژیم های نژاد پرست مبارزه می کنند و این مبارزات تحت عنوان مخاصمات مسلحانه بین المللی و مشمول مقررات آن قرار می گیرد».

از آنجائیکه چوکات مقاومت مسلح برای استقلال و حاکمیت ملی در پرتو قوانین و معاهدات بین المللی واضح شده است و در حقیقت دارای شخصیت حقوق بین المللی می باشد، گروه یا گروه هایی که بعد از اشغال تسلیم نشده و سلاح بدست به مصاف قوای بیگانه می روند مانند پرسونل اردوی در حال محاربه یک کشور محاسبه شده و حتی با افراد آن در صورت اسارت باید مطابق مواد حقوق بین المللی در مورد اسیران جنگی رفتار شود.

کسب حمایت اکثریت اتباع یک کشور و احترام به اصول و مقررات مندرج در معاهدات و قوانین پذیرفته شده بین المللی مشروعیت یک گروه محارب را مشخص ساخته و آنرا به حیث مقاومت مسلح در مقابل نیرو های بیگانه یا اشغالگر رسمیت می دهد. در غیر این صورت هر گروهی می تواند ادعا کند که مقاومت مسلحانه شان به خاطر آزادی و حاکمیت ملی است. این همان ادعای است که طالبان از سال ها بدینسو می کنند ولی هیچ یک از اعمال شان را نمی توان مطابق اصول و مواد قوانین بین المللی دانست.

سوال اصلی هم همین است که کدام قرارداد و یا قانون پذیرفته شده بین المللی سر بریدن افراد ملکی، سوختاندن مکاتب، حملات انتحاری در محلات مزدحم حتی در داخل مساجد، منع تحصیل دختران، منع اشتغال زنان، انفجار و تخریب آثار و آبدات تاریخی، اعدام های صحرایی و مسموم کردن متعلمین مکاتب را مجاز دانسته و تیرئه می کند؟

بر علاوه اینها چگونگی ایجاد طالبان را در عرصه نظامی - سیاسی افغانستان هم باید در نظر گرفت. در عقب ظهور شان از روز اول و در عقب حملات و فعالیت های شان تا کنون دست های بیگانه به وضاحت مشهود است. طالبان منافع علیای کشور را از همان آغاز تا کنون فدای منافع بیگانگان، گروه های تروریستی، افراطیون مذهبی بخصوص وهابی ها و از همه بیشتر فدای خواست ها و منافع نظامیان پاکستانی در افغانستان نموده اند. هیچ یک از اعمال شان به نفع افغانستان و مردم ما نبوده و نیست.

کی میتواند انکار کند که شرکت های مقتدر پترول و گاز جهان چون یونیکال امریکایی و دلتای سعودی برای احداث لوله نفت و گاز از ترکمنستان مصارف ایجاد این گروه مزدور را پرداخته و سی. آی. آی. و استخبارات انگلیس با استفاده از روابطی که سی. آی. اس. آی. پاکستان با گروه های مجاهدین از سال ها برقرار کرده بود زمینه های ایجاد آنرا فراهم کردند؟ مگر کسی تا هنوز هم در این زمینه تردید دارد که جمعیت العلمای پاکستان موسوم به شاخه اسلامی آی. اس. آی. گروه سی نفری ملا محمد عمر را که برای رهایی دو دختر جوان از نزد یک قوماندان محلی در قندهار تشکیل شده بود به جنبش طالبان بر اساس پلان بازیگران اصلی که در فوق ذکر شد تغییر شکل و تجدید سازمان داد؟

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينگه کړئ maqalat@afghan-german.de

پاڼه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پاڼوالې د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

امریکایی ها و انگلیس ها با حمایت از طالبان امیدوار بودند از یکطرف به بازار های پرمفعت و منابع عظیم گاز و نفت آسیای مرکزی و سواحل کسپین راه یابند و از طرف دیگر از طالبان به حیث سد مطمئن در مقابل منافع ایران و روسیه در منطقه استفاده برند.

اینها افسانه نه بلکه واقعیت ها و فکت هایی اند که هیچکس نباید از آن انکار کند بخصوص وقتی طالبان و اعمال شانرا مورد بررسی قرار می دهند. در غیر آن یک گروه فروخته شده تروریستی را ساده لوحانه میتوان گروه یا جنبش مقاومت ملی یاد کرده و موقف و وظیفه اصلی شانرا که عبارت از دفاع از منافع بیگانگان در افغانستان است زیر نام مقاومت و آزادی کشور پنهان و یا توجیه کرد.

اینکه در صفوف پائینی طالبان افغان های می رزمند که واقعا عقاید مذهبی و افغانستان مستقل بدون موجودیت نیرو های خارجی را در دل دارند هم شکی نیست ولی این همان بخش فریب خورده ایست که بدون اینکه بداند رهبری طالبان در دست کیست و چگونه بر سر عقاید مذهبی و احساسات وطنپرستی شان تجارت می شود به نام خدا و وطن جان های شانرا فدای منافع پنجاب، گروه های تروریستی و مافیای بین المللی میکنند در حالیکه رهبران، قوماندانان و رده های بالایی آنها چون ستون پنجم دست به دست با دشمنان خاک و ناموس کشور مشغول ویرانی و تباهی وطن اند.

حوادث تقریبا چهار دهه گذشته و بازی های کشور های مقتدر در افغانستان بخصوص بعد از اعلام اولین دولت جمهوری بوسیله اولین رئیس جمهور کشور سردار محمد داود خان به وضاحت نشان می دهد که هر زمانی که توازن قدرت به نفع یا ضرر این یا آن گروه سیاسی - نظامی تغییر کرده است دست های بیگانگان در عقب آن ظاهر شده است.

این تنها گروه طالبان نیست که تا همین امروز هم حیثیت ستون پنجم دشمن را بازی کرده و مورد استفاده نه تنها قدرت های بزرگ جهان بلکه کشور های منطقه برای تأمین منافع شان قرار می گیرند، گروه ها و شخصیت های زیادی در این مدت مستقیم یا غیر مستقیم آله دست بیگانگان و عامل تأمین منافع شان به حیث ستون پنجم دشمنان افغانستان قرار گرفته اند.

طالبان در حالیکه هدف شانرا خروج قوای کشور های ائتلاف موسوم به ضد تروریسم از افغانستان بخصوص امریکایی ها اعلان کرده اند با اعمال شان بخصوص در مناطقی که پروسه انتقال مسؤولیت ها به جانب افغانی تکمیل شده است برعکس آنچه را که ادعا دارند ثابت می کنند که حملات شان بر مردم ملکی و نیروهای افغان حتی سران قبایل و مشران قومی در آن مناطق بیان اینست که نسبت زد و بند با سازمانهای استخباراتی کشورهای خاصی نمی گذارند افغان ها به پای خود ایستاده شده مالک قوای مسلح مستقل گردند. مثال های دیگری نیز از این نوع زد و بند ها هرچند نه به میزان و وسعت وابستگی طالبان در چهار دهه گذشته کشور وجود داشته و دارند.

سازمان استخبارات نظامی روسها (جی. آر. یو.) در داغ ترین روزهای جنگ با احمد شاه مسعود داخل زد و بند شده و شرایط را برای اوربند و قطع کامل عملیات نظامی در مقابل یکدیگر مساعد ساختند که با امضای موافقتنامه همکاری «بین زعامت قوای شوروی مقیم در افغانستان و قوای مسلح مخالف مقیم پنجشیر» متشکل از دو بخش یعنی پرتوکول شماره (۱) و پرتوکول شماره (۲) روابط بعدی بین دو جانب مشخص شد. در پرتو همین موافقتنامه ائتلاف نیروهای مسلح پنجشیر (شورای نظار)، شاخه کارملی های حزب دیموکراتیک خلق و چهره های قابل اعتماد روس ها در داخل حزب دیموکراتیک خلق و بیرون از آن بر اساس پلان روس ها تأمین شده نتیجتا سقوط چهارمین و آخرین حکومت کمونیستی، ناکامی پلان صلح سازمان ملل متحد برای افغانستان، شروع جنگ های خونین داخلی و ویرانی پایتخت کشور به حیث مرکز قدرت که نابودی اردوی ملی و تمام اساسات دولت افغانستان را در پی داشت، صورت گرفت.

به همین ترتیب در سال ۱۹۷۴ عده ای از رهبران و کترهای گروه های اسلامی در مخالفت با رژیم سردار محمد داود خان به پشاور رفته و بر اساس سخنان جنرال نصیرالله بابر فرصت طلایی را برای پاکستان مساعد ساختند تا بوسیله شان منافع آنکشور در افغانستان تأمین گردد.

حملاتی که در زد و بند با استخبارات آنکشور در خوست، نورستان، لغمان و پنجشیر تحت نظارت مستقیم جنرال بابر و دگروال یوسف صورت گرفت اولین ضربه بر پایه دولت مستقل افغانستان و جمهوری جوان بود که به نظر

د پانوی شمیره: له 2 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوئې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنیزې ډلیکنیزې پازوالې ډلیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ

تعداد زیادی از تحلیگران «تولد قاتلین افغانستان» و حوادث بعدی از جمله کودتای هفت ثور از همان زمان آغاز گردید.

به قول کسان زیادی که به دیدار سردار محمد داود خان شهید در آنزمان نایل شده بودند، آن وطنپرست بزرگ از اینکه فرزندان وطن بوسیله کسانی مورد استفاده قرار می گرفتند که برپادی و نابودی سرزمین آبایی شانرا در سر دارند عمیقاً متاثر گردیده و تکان خورده بود تا جائیکه اصلاً باور نمی کرد که آنها بر ضد مردم خودشان و آنهم مطابق پلان دشمنان عزت و شرف شان سلاح بدست گرفته باشند.

حالا اگر با دید فراخ و بدون در نظر داشت مسایل قومی، سمتی و گروهی قضاوت کرده و تمام گروه های فروخته شده را که دوشادوش دشمنان وطن و مردم ما به حیث ستون پنجم شان در طول چهار دهه گذشته عمل کرده اند از یک نگاه و عادلانه ارزیابی کنیم پس باید بدون لحظه ای تردید و تأمل بگوییم که طالبان مقاومت مسلح نه بلکه ستون پنجم دشمنان افغان ها و افغانستان اند که تمام سوق و اداره آنها بدست نظامیان پنجاب است.

طالبان برای تحمیل منافع پاکستان در کشور ما با توسل به وحشیانه ترین شیوه ها که در هیچ قانون بین المللی و هیچ آئین انسانی توجیه پذیر نیست میخوانند کشور ما را به ساحه تحت نفوذ نظامیان پاکستان مبدل کنند. آنها از هیچگونه پایگاه مردمی در داخل کشور برخوردار نیستند و فقط با ایجاد رعب، ترس و وحشت مردم را به گروگان گرفته اند.

نتیجتاً آنها را مقاومت مسلح خواندن، جفا با ملت پر افتخار افغان و کشور باستانی ماست.

پایان

د پانو شمیره: له 3 تر 3

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بنی پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په څیر و لولئ